



EPS

Deliberation on problems of financing and diversification of financial resources in public universities

Samad Izadi

Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
s.izadi@umz.ac.ir

Mehdi Rabie

PhD, higher education development planning, Department of Educational Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
rabieim2020@gmail.com

KEY WORD

Financing, Diversification of financial resources, Public universities.

ABSTRACT

In recent decades, significant increase with high growing numbers of students, has made financing of public universities into one of the major challenges higher education and government. However, the main source of financing public universities is government funding, but focusing purely on this procedure and the neglect of other methods is ineffective for various reasons. The purpose of this study was to investigate Issues and problems of financing and diversification of financial resources in public universities. The research method was qualitative phenomenology. The study population included administrators of public universities and experts in financial management and economics of higher education. Using purposive sampling method, 23 semi-structured in-depth interviews were conducted with them. To validate the qualitative findings, the Guba and Lincoln criteria were used. The findings were analyzed by Strauss and Corbin coding model. Analysis reveals that participants researched before any attempt emphasize to determine the status and role of higher education and attention to mission of the university. In their view, financing public universities in Iran is influenced by social-cultural and political -economic conditions of the country, according to the Spatial planning in the creation of a university and course of study, Ability of managers to earn, transparency of laws, absence of Cumbersome bureaucratic, a knowledge-based university, field structure, Relations of University to Other sectors However, The evidence indicative of earn thinking in public universities is weak.

EPS

نامی بر مسائل تامین و تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی

چکیده

در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجه دانشگاه‌ها همراه با رشد فزاینده تعداد دانشجویان، تامین مالی دانشگاه‌های دولتی را به یکی از چالش‌های مهم پیش روی نظام آموزش عالی کشور و به طور کلی دولت، بدل کرده است. هرچند منبع اصلی تامین مالی دانشگاه‌های دولتی، بودجه دولت می‌باشد، اما تاکید محض بر این روش و غفلت از سایر روش‌ها به دلایل متعدد ناکارآمد است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مسائل و مشکلات تامین و تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی انجام شد. روش پژوهش، کیفی از نوع پدیدارنگاری بود. جامعه پژوهش شامل مدیران دانشگاه‌های دولتی و صاحب‌نظران مدیریت مالی و اقتصاد آموزش عالی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، با 23 نفر از آنها مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. جهت اعتبار یافته‌ها از معیارهای چهارگانه گابا و لینکلن و برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استراوس و کوربین استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که مشارکت‌کنندگان تحقیق، قبل از هر اقدامی بر تعیین شأن و جایگاه آموزش عالی و توجه به رسالت و مأموریت دانشگاه تاکید می‌نمایند. از دیدگاه آنها، تامین منابع مالی دانشگاه‌های دولتی در ایران تحت تاثیر عواملی همچون شرایط اقتصادی-سیاسی و اجتماعی-فرهنگی کشور، میزان توجه به آمایش سرزمین در ایجاد رشته و تاسیس دانشگاه، توانمندسازی دانشگاه، توانایی مدیران در درآمدزایی، شفافیت قوانین، عدم وجود بوروکراسی دست و پاگیر، وجود دانشگاه دانش‌بنیان، ساختار رشته و روابط دانشگاه با سایر بخش‌ها برای کسب درآمد قرار می‌گیرد. در نهایت تحلیل داده‌های این تحقیق، حاکی از پدیده‌ی محوری ضعف تفکر درآمدزایی در دانشگاه‌های دولتی بود.

صمد ایزدی

عضو هیات علمی دانشگاه مازندران
یابلسر، دانشگاه مازندران، گروه علوم تربیتی
(نویسنده مسئول)
sizadi@umz.ac.ir

مهدی ربیعی

دکتری برنامه ریزی توسعه آموزش عالی
rabieim2020@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۸/۲۳
تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

کلید واژه‌ها

تامین مالی، تنوع‌بخشی منابع مالی،
دانشگاه‌های دولتی.

مقدمه:

دانشگاه به عنوان یک سیستم از چندین زیرسیستم از جمله سیستم مالی تشکیل شده است. سیستم مالی به نوبه خود تحت تاثیر نظام‌های برون و درون دانشگاهی قرار دارد. هر تغییر کوچک در محیط بیرون یا درون دانشگاه بر کارایی و اثربخشی نظام مالی آن تاثیر می‌گذارد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۳). یکی از این تغییرات، بحران مالی است که در دو دهه اخیر امری جهانی شده است. بحران‌های اقتصادی و مالی در بودجه عمومی دانشگاه‌های دولتی نیز نمایان گردیده است. با وجود اینکه همواره برای حفظ بودجه‌های عمومی مراکز دانشگاهی تلاشی صورت گرفته است، اما پژوهش‌های اخیر حاکی از کاهش میزان بودجه تخصیص داده شده توسط دولت‌ها می‌باشند. هر چند این وضعیت با توجه به کشور (توسعه یافته یا در حال توسعه) یا بخش آموزشی (دولتی یا غیردولتی) متفاوت است اما مشکل وابستگی به کمک‌های مالی دولتی و شهریه امری جهانی است (روزماس و سیران، ۲۰۱۲). کاهش سهم بودجه‌های دولتی برای تأمین مالی فعالیت‌های سنتی دانشگاه سبب شده است تا این مراکز به دنبال روش‌های جایگزین تأمین سرمایه باشند (جوآنسون^۲ و همکاران، ۲۰۰۵) به گونه‌ای که هم اکنون دانشگاه‌ها به آرامی به موسساتی که پیش از پیش با محرکه‌های بازار رقابتی و الزامات بازرگانی و اقتصادی هدایت می‌شوند، تبدیل شده و از هویت دولتی خود فاصله گرفته‌اند (مهرگان و دهقان نیری، ۱۳۸۸). در اکثر کشورها، دانشگاه‌ها مجبور به اتخاذ روش‌های جدید در عرصه آموزش و پژوهش از جمله پذیرش دانشجویان آزاد، برگزاری دوره‌های آموزش کاربردی، ارائه خدمات مشاوره، استفاده از اعتبارات بین‌المللی و در نهایت پذیرش ایده توجه به بازار از طریق عرضه نتایج تحقیقات دانشگاهی شدند (هاشم‌زاده، ۱۳۸۸). به عنوان مثال استرمن^۳ (۲۰۱۰) در بررسی خود، ساختار درآمدی دانشگاه‌های اروپا را به‌طور متوسط متشکل از بودجه عمومی (ملی و منطقه‌ای) (۷۲/۷۸٪)، مشارکت دانشجویان (۹/۰۶٪)، بودجه حاصل از تعامل با بخش تجاری (۶/۴۸٪)، بودجه عمومی بین‌المللی (۳/۰۴٪)، درآمدهای بشردوستانه (۴/۵۰٪)، و درآمدهای مربوط به خدمات (۴/۱۴٪) بیان می‌کند.

در کشور ما نیز با عنایت به تعداد قابل توجه دانشگاه‌های دولتی و رشد فزاینده تعداد دانشجویان، دانشگاه‌ها به یکی از سازمان‌های هزینه‌بر تبدیل شده و تأمین مالی آنها به یکی از چالش‌های مهم پیش روی نظام آموزش عالی و به طور کلی دولت بدل گردیده است. منابع مالی دولتی با تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... دستخوش تغییر شده و نمی‌تواند به عنوان منبع مالی پایدار برای موسسات آموزشی در نظر گرفته شود (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۶). در سالهای اخیر که کشور با تحریم در فروش نفت مواجه شد به دلیل وابسته بودن بودجه دانشگاه‌ها به میزان فروش نفت، موضوع کسری اعتبارات در بخش آموزش عالی دولتی به عنوان یک چالش، نمود یافته است. بررسی قانون بودجه کشور نشان می‌دهد که سهم آموزش عالی از تولید ناخالص ملی که در سال ۱۳۸۴ به میزان ۱/۶ درصد بوده است در سال ۱۳۹۰ به ۱/۲ درصد و در سال ۱۳۹۲ به ۱/۱ درصد کاهش یافته است (خالقی سروش و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین روند اعتبارات بخش آموزش عالی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۸۷ نشان می‌دهد، که درآمد حقیقی آموزش عالی از منابع عمومی دولت، که مابه‌التفاوت رشد اسمی درآمدها و تورم است به طور متوسط از سال ۱۳۸۷، منفی ۱۱ درصد بوده که نشان از کاهش درآمد حقیقی بخش آموزش عالی است (دادجوی توکلی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین گرچه بودجه اسمی دانشگاه‌های دولتی هر ساله افزایش می‌یابد اما (بخاطر وجود نرخ تورم) بودجه واقعی آنها کاهش می‌یابد. کاهش واقعی بودجه، خود را در کاهش کیفیت انجام وظایف دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نشان می‌دهد (روشن، ۱۳۹۱). بدون تردید، دانشگاهی که تنها از منابع دولتی تغذیه می‌کند در صورت بروز مشکل برای این منبع، نسبت به دانشگاهی که از روش‌های متنوع تأمین مالی استفاده می‌کند، آسیب‌پذیری بیشتری دارد. با توجه به مشکلات موجود، اصلاح مدیریت مالی دانشگاه با هدف تطابق با منابع سرمایه‌ای متنوع ضروری است (یانگفان^۴، ۲۰۱۲). این امر مستلزم شناخت عمیق دانشگاه‌ها از شرایط جامعه، پتانسیل خود و الزامات تأمین مالی است چرا که هر چند اصلاحات خلق‌الساعه در تأمین مالی آموزش عالی می‌تواند برخی از نیازهای بودجه را در کوتاه‌مدت کاهش دهد، اما نیاز شدیدی به طراحی خط مشی‌های اساسی که درازمدت پایدار باشند، وجود دارد (دریس و اوگه^۵، ۲۰۱۵). در سال‌های اخیر و با توجه به چالش‌های اقتصادی-سیاسی کشور و متعاقب آن مقوله اقتصاد مقاومتی، دولتمردان پی‌درپی اعلام می‌نمایند که دانشگاه‌ها باید خود در جستجوی منابع مالی باشند. این در حالی است که به این امر که آیا دانشگاه‌های ما در وضعیت کنونی توانایی، تمایل و فرصت تحقق تأمین و تنوع بخشی منابع مالی خود را دارند یا خیر؟ و یا اینکه برای رسیدن به این هدف باید چه زیرساختها و الزاماتی فراهم شود؟ نپرداخته‌اند. از آنجا که یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها برای حل مسائل روزافزون دانشگاه‌ها، فقدان منابع مالی متنوع و مستمر است که در نهایت به عدم موفقیت رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه‌ها منجر می‌شود، ضرورت مطالعات بیشتر در این زمینه و شناخت روش‌های نوین درآمدزایی دانشگاه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مسیر، نگاه نو به منابع درآمدی متنوع دانشگاه‌ها، متضمن آینده روشن برای آنها جهت توسعه و تحقق دانشگاه بین‌المللی می‌باشد. همچنین، مساله تأمین و تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه‌ها مقوله‌ای نیست که تنها با دستورالعمل و رویکرد بالا به پائین و به صورت آنی انجام گردد. بدون شک برای صورت پذیرفتن این امر پیش‌نیازها، پیش‌بایست‌ها و زیرساخت‌های متعددی لازم است، که باید آماده گردد. بنابراین در تحقیق حاضر به بررسی مسائل تأمین و تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی، پرداخته می‌شود.

ادبیات پژوهش

امروزه دانشگاه‌ها برای انجام مأموریت خود مجبور به یافتن منابع جدید تأمین مالی گردیده‌اند، چرا که جریان ثابت و پایدار منابع دولتی برای آموزش عالی شروع به خشکیدن نموده است (ریچی^۶، ۲۰۱۲). هم‌اکنون دانشگاه‌ها بیش از پیش خود را در محیط به شدت رقابتی و غیرحمایتی می‌بینند بنابراین به طور فزاینده‌ای بر نقش

1. Rozmus & Cyran
2. Johansson
3. Estermann
4. Yongfan
5. Diris & Ooghe
6. Riechi

خود در تأمین منابع مالی قابل استفاده برای ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خویش تاکید دارند (هاشم نیا، ۱۳۸۸). به عنوان مثال گزارش مالی دانشگاه ییل^۷ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد این دانشگاه درآمدهایش را از ۷ منبع اصلی: شهریه دانشجویان (۹٪)، کمک‌های مالی و قراردادهای (۲۰٪)، خدمات پزشکی (۲۳٪)، درآمدهای وقف (۳۳٪)، مشارکت (۸٪)، درآمد انتشارات (۱٪) و سرمایه‌گذاری‌ها و درآمدهای دیگر (۷٪) کسب می‌نماید.

جبریس^۸ (۲۰۱۲) در تحقیق خود نشان داد که دانشگاه‌های کشورهای جنوب صحرای آفریقا با استفاده از راهبردهای تنوع‌بخشی درآمد، موفق به کسب منابع مالی اضافی همچون شهریه‌های دانشجویی، خدمات رفاهی دانشگاه، منابع بدست آمده از خیرین، و مقامات محلی و منطقه‌ای شده‌اند. با این وجود تنها دانشگاه‌های آفریقای جنوبی و کنیا، از منابعی همچون شرکت‌های صنعتی، فعالیت‌های بشردوستانه و وقف، درآمد کسب نموده‌اند.

نتایج تحقیق جنگیلود^۹ (۲۰۱۰) در بررسی منابع مالی ۸ کشور اروپایی (انگلستان، اسپانیا، ایتالیا، آلمان، جمهوری چک، سوئیس، هلند و نروژ) نشان داد که: ۱- هنوز هم منبع غالب درآمد در همه کشورها (بجز انگلستان)، منابع دولتی است. در این ۷ کشور، سهم منابع دولتی بیش از دو سوم است. ۲- شهریه تنها در ۳ کشور (ایتالیا، اسپانیا و انگلستان) منبع درآمدی مهم است اما در دیگر کشورها سهم نسبتاً اندکی از درآمد را تشکیل می‌دهد. ۳- بین کشورها در خصوص سهم کمک‌های مالی و قراردادهای تفاوت کمی مشاهده شد. پائین‌ترین مقدار (۱۰٪) مربوط به اسپانیا بوده و بیشترین میزان (۲۵٪) به انگلستان تعلق دارد. ۴- در سال‌های اخیر سهم تخصیص دولت کمی کاهش داشته است، اما هیچ تغییری در سهم شهریه بوجود نیامده و سهم قراردادهای و کمک‌های مالی رقابتی افزایش یافته است. آگن و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۸)، برای مطالعه منابع درآمدی موسسات آموزش عالی کشورهای اروپایی، ۶۶ دانشگاه اروپایی که در رنکینگ سال ۲۰۰۶ شانگ‌های، جزو ۵۰ رتبه برتر بوده‌اند را بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است:

جدول ۱: منابع درآمدی موسسات آموزش عالی کشورهای اروپایی (به درصد)

| کشور | انگلستان | اسپانیا | آلمان | ایتالیا | هلند | سوئد | دانمارک | بلژیک | ایرلند | سوئیس |
|-------------------------|----------|---------|-------|---------|------|------|---------|-------|--------|-------|
| شهریه | ۲۴ | ۱۶ | ۱ | ۱۲ | ۷ | ۰ | ۰ | ۵ | ۳۲ | ۳ |
| بودجه دولت | ۳۵ | ۶۱ | ۷۳ | ۶۷ | ۶۸ | ۶۰ | ۷۹ | ۶۵ | ۳۸ | ۷۲ |
| کمک‌های تحقیقاتی رقابتی | ۲۱ | ۱۰ | ۲۲ | ۱۲ | ۱۵ | ۳۴ | ۱۹ | ۲۱ | ۱۸ | ۱۸ |
| سایر منابع | ۲۰ | ۱۳ | ۴ | ۹ | ۱۰ | ۶ | ۲ | ۹ | ۱۲ | ۷ |
| جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

اسماعیلی‌کیا و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق خود نشان دادند که استفاده از منابع داخلی، اولویت نخست دانشگاه‌ها جهت تأمین مالی با رویکرد اقتصاد مقاومتی است و زیرمعیارهای اجاره تجهیزات آزمایشگاهی، جذب دانشجویان خارجی و استفاده از اوراق وقف به ترتیب حائز بالاترین اهمیت شدند. در تحقیق ربیعی و همکاران (۱۳۹۶) الزامات تنوع بخشی مالی دانشگاه‌ها بصورت ۱۰ الزام در دو سطح کلان (قانونی، مالی-اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، مدیریتی-سازمانی، سیاستگذاری-راهبردی) و خرد (منابع انسانی، ارتباطی، انگیزشی، ساختاری-ابزاری، رهبری) تدوین گردید. نتایج نشان داد از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، تمامی الزامات کلان و خرد از اهمیت بالا برخوردارند. در این بین، الزامات سیاستگذاری-راهبردی دارای بیشترین و الزامات مالی-اقتصادی دارای کمترین اهمیت بودند.

روشن (۱۳۹۲) در تحقیق خود برای افزایش استقلال مالی و کسب درآمدهای اختصاصی دانشگاه راهکارهای متعددی ارائه نموده است: واگذاری بخشی از اختیارات هیات امنا به روسای دانشگاه‌ها، تبیین دقیق بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه پنجم توسعه و تعیین حوزه مسئولیت ارگان‌های مختلف، انتخاب حداقل یک نفر از اعضای هیات امنای دانشگاه‌ها از میان مدیران صنایع، تشویق دانشگاه‌هایی که درآمد اختصاصی بیشتری کسب می‌کنند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی اقتصاد آموزش عالی و تخصیص بهینه بودجه برای روسای دانشگاه‌ها از جمله این موارد است.

پژوهش‌های انجام شده، حاکی از آن است که توجه به تأمین مالی و تنوع بخشی درآمدهای دانشگاه‌ها در سراسر جهان (از کشورهای صنعتی تا کشورهای غیرصنعتی) مورد توجه قرار گرفته است که این امر نشانه اهمیت این موضوع برای تمام کشورها و جهان شمول بودن مبحث تأمین مالی دانشگاه‌هاست. پژوهش‌های خارجی انجام شده نشان می‌دهد که هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای در حال توسعه، به حرکت از تأمین درآمد دانشگاه‌ها از طریق بودجه عمومی به درآمدزایی توسط خود دانشگاه‌ها تمایل دارند. آنها درصددند تا از طریق تنوع بخشی به روش‌های کسب درآمد به پایداری مالی نائل گردند و برای این هدف راهبردهای مختلفی نیز به کار گرفته‌اند. نتایج پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهد که با توجه به نقش رو به تکامل آموزش عالی، توجه بیشتر به منابع مالی غیردولتی گریزناپذیر است. هدف پژوهش حاضر بررسی مسائل و مشکلات تأمین و تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی است.

7. Yale University

8. Gebreyes

9. Jongbloed

10. Aghion et al

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی از نوع پدیدارنگاری بود. پژوهش کیفی رویکرد کل گرا، تفسیرگرا و برای اکتشاف در یک زمینه طبیعی انجام می‌شود (عابدی و شواخی، ۱۳۸۹). جامعه پژوهش شامل مدیران دانشگاه‌های دولتی و صاحب‌نظران مدیریت مالی و اقتصاد آموزش عالی بودند شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند^{۱۱} بود. در این شیوه، محقق کیفی با افرادی تماس برقرار کرد که در زمینه موضوع مورد بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی بودند. این افراد را مطلع یا دروازه‌بان می‌خوانند (هامرسلی و اتکینسون^{۱۲}، ۱۹۹۵). در این روش نمونه‌گیری که مخصوص تحقیقات کیفی است، حجم نمونه به اشباع نظری^{۱۳} سوال‌های مورد بررسی بستگی دارد. در پژوهش حاضر برای بررسی خصوصیات نظام تامین و تنوع‌بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی ایران، نیازمند مصاحبه با خبرگانی بودیم که یا در این حوزه فعالیت دارند و یا اینکه صاحب‌نظر می‌باشند. بر این اساس حجم نمونه شامل ۲۳ نفر از مطلعین به شرح جدول ۲ بود که به صورت هدفمند و با توجه به قاعده اشباع نظری و به صورت داوطلبانه در پژوهش مشارکت نمودند.

جدول ۲: مشخصات مشارکت‌کنندگان تحقیق

| صاحب‌نظر | رئیس دانشگاه | معاون مالی دانشگاه | رئیس پردیس بین‌الملل | رئیس دانشکده | معاون پژوهشی دانشگاه | مدیرعامل بنیاد دانشگاهی | مدیر برنامه و بودجه | مدیر برنامه‌ریزی و توسعه منابع | کارشناس اعتبارات و بودجه | کارشناس کالج دانشگاه |
|----------|--------------|--------------------|----------------------|--------------|----------------------|-------------------------|---------------------|--------------------------------|--------------------------|----------------------|
| ۹ | ۲ | ۲ | ۱ | ۴ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |

به منظور گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. جهت تامین اعتبار یافته‌ها از معیارهای چهارگانه منسوب به گابا و لینکلن (۱۹۸۵) استفاده شد. این صاحب‌نظران در این رابطه با عنوان قابلیت اعتماد^{۱۴} از رعایت چهار معیار شامل: باورپذیری (اعتبار)^{۱۵}، انتقال‌پذیری^{۱۶}، اطمینان‌پذیری^{۱۷} و تأییدپذیری^{۱۸} در پژوهش‌های کیفی نام می‌برند. در این پژوهش برای دستیابی به اعتبار پژوهش از تکنیک کنترل از سوی اعضا^{۱۹} استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، موجه‌ترین افراد برای تعیین قابلیت اعتماد هستند که از طریق "چک کردن توسط اعضا" این امر اتفاق می‌افتد. به گونه‌ای که در این پژوهش، رونوشت مصاحبه و گزارشی از سوالات مطرح شده و پاسخ‌هایی که مطلعان دادند در اختیار آنان قرار می‌گرفت. سپس اصلاحاتی که آنان در متن مصاحبه انجام داده بودند در نظر گرفته می‌شد. رسیدن به قابلیت انتقال با استفاده از تکنیک‌هایی مثل توصیف فرجه^{۲۰} از مجموعه داده‌های مطالعه شده در طول گردآوری داده‌ها، استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری و تحلیل نمادها، نشانه‌ها و سایر موارد در مرحله تحلیل داده که به اطمینان از قابلیت انتقال کمک می‌کند (اندریاس^{۲۱}، ۲۰۰۳) صورت می‌پذیرد. در این پژوهش برای قابل انتقال بودن از توصیف فرجه استفاده شد. از این رو تلاش گردید تمام جزئیات تحقیق از نمونه‌گیری گرفته تا فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور کامل شرح داده شود. جهت دستیابی به قابلیت اطمینان از روش توصیف توسط همتایان^{۲۲} استفاده گردید. بدین منظور، یافته‌ها در مراحل مختلف در اختیار یک نفر از مطلعان آموزش عالی که عضو هیات علمی است، قرار گرفت. قابل تأیید بودن به عینیت نتایج مطالعه اشاره دارد و با همخوانی نظر دو فرد مستقل راجع به دقت، ارتباط و معنی داده‌ها سنجیده می‌شود (محسن‌پور، ۱۳۹۰). در این باره نیز از نظرات مطلع یاد شده، استفاده گردید. مصاحبه‌ها با روش نظام‌دار منسوب به استراوس و کوربین^{۲۳} (۱۹۹۸) تحلیل گردید. بر اساس این رویکرد تحلیل مصاحبه‌ها در چند سطح انجام شد. در مرحله کدگذاری آزاد، متون مورد نظر (متن مکتوب مصاحبه‌ها) به دقت از سوی پژوهشگر خوانده شده و به اجزای کوچکتری تقسیم گردیدند. این اجزا در یک فرایند دائمی مقایسه مفهوم‌پردازی شده و مقوله‌بندی گردیدند. در کدگذاری محوری، مقوله‌هایی که در مرحله پیشین شناسایی شده بودند، نظم بیشتری یافته و با ترکیب جدیدی به یکدیگر مرتبط شدند. این فرایند به این شکل صورت پذیرفت که مقوله‌های کلی‌تر شناسایی شده و ارتباط آن‌ها با هم روشن شد. در مرحله کدگذاری انتخابی، نظریه‌ای ساخته و پرداخته شد.

یافته‌های پژوهش

براساس نتایج حاصل از پژوهش، مسائل و مشکلات تامین و تنوع‌بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی از جنبه‌ها و زوایای مختلف در قالب مقوله‌ها و خرده‌مقوله‌های متعدد به شرح ذیل، مورد توجه مشارکت‌کنندگان تحقیق قرار گرفت.

۱- جایگاه و رسالت آموزش عالی

11. Purposive Sampling
12. Hammersley & Atkinson
13. Theoretical saturation
14. Trustworthiness
15. Credibility
16. Transferability
17. Dependability
18. Confirmability
19. Member check
20. Thick description
21. Andreas
22. Peer Debriefing
23. Straus & Corbin

۱-۱ توجه به شأن و مأموریت دانشگاه در درآمدزایی

یکی از موضوعات مهمی که مشارکت‌کنندگان پژوهش، متفق‌القول بر آن تاکید داشتند، در نظر گرفتن شأن و مأموریت دانشگاه قبل از هر امری است. آنها تاکید می‌نمودند که رسالت دانشگاه با بنگاه اقتصادی متفاوت است که در درآمدزایی باید به آن توجه نمود. به عنوان مثال مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ معتقد است: "اینکه دانشگاه خودش بیاد مستقیماً مثلاً در واردات و صادرات وارد بشه در شأن دانشگاه نیست. دانشگاه باید در فعالیت اقتصادی مشارکت کنه، اما مشارکتش اینه که نیروی انسانی خوب تربیت کنه. پژوهش‌ها رو جواب بده. خدمات تخصصی به بخش صنعت و اقتصاد بده.... دانشگاه مثلاً می‌تونه توی خیابون جردن سوپر مارکت بزنه، اما در شأن دانشگاه نیست". شرکت‌کننده شماره ۷ نیز معتقد است: "دانشگاه بایستی در چارچوب مأموریت‌های خودش تأمین مالی کنه. مثل این می‌مونه که یک شرکت صنایع غذایی، از تولید آهن درآمد کسب کنه. معنی نداره. مأموریتی براش تعریف شده، رسالتی تعریف شده، درآمدی می‌خواد کسب کنه، بایستی در راستای اون مأموریت و رسالتش باشه، نه از جای دیگه. وظیفه دانشگاه خدمت‌رسانی ابتدا به دانشجویست. اگر می‌خواد در راستای رسالت‌های خودش خدمت‌رسانی کنه، هیچ اشکالی نداره. پس یک مأموریتی داره در چارچوب اون مأموریت هر کاری می‌تونه انجام بده. می‌تونه پول بگیره، می‌تونه نگیره، زیاد بگیره، کم بگیره، رقابته دیگه". مشارکت‌کننده شماره ۱۲ (که یکی از اعضای سازمان توسعه اقتصادی دانشگاه تهران می‌باشد) درباره شأن دانشگاه و اینکه آیا دانشگاه باید فعالیت اقتصادی انجام دهد و اصولاً سازمان آنها چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، بیان می‌کند که: "ما کلاً فعالیت‌های اقتصادی‌ای رو انجام می‌دیم و بهش اعتقاد داریم که در شأن دانشگاه باشه. یعنی خلق ثروت از محل دانش. یعنی مثلاً دانشگاه هیچ وقت نره شروع کنه یک مرکز تجاری بزنه و یا واحد تولیدی داشته باشه و الی آخر. دانشگاه اگه قراره کار اقتصادی بکنه، فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر دانش بکنه. یعنی شروع کنه به درآمد‌های نالچ بروکری^{۲۴}. در واقع بروکر دانش بشه. کارهای اینطوری انجام بده. رویکرد دانشگاه‌ها باید رویکرد اقتصاد دانش‌محور باشه، نه رویکرد اقتصادی یا تجاری صرف که با شئون دانشگاه هیچ ارتباطی نداشته باشه". و بالاخره مشارکت‌کننده شماره ۲۳ درباره لزوم توجه به رسالت علم و پرهیز از بازاری شدن دانشگاه‌ها معتقد است: "یک آسیب و نگرانی این جا هست که به هر حال، رسالت علم اگه از منظر فرهنگی و دینی و انسانی نگاه کنیم، رسالت مقدسی است و این به پول خلاصه نمیشه. کسب علم مثل گندم کاشتنه، گندم رو به خاطر گاه اون نمی‌کارند ولی گاه هم در ادامه‌اش هست. ما علم و دانش رو به خاطر ارزش ذاتی علم می‌آموزیم. البته علمی که موثر باشه، کارا باشه، نافع باشه. حالا اگه درآمدی هم به‌دست بیاد چه بهتر. اما وقتی تمام وجهه و همت و تلاشمون این باشه که علمی که به پول می‌انجامه، آموزش داده بشه این می‌تونه خطرناک باشه. نقش فرهنگی دانشگاه نباید فراموش بشه. به هر حال اون چیزی که توی مراکز می‌بینیم که چند می‌خری؟ چند می‌فروشی؟ یعنی اخلاق بازار، در یک مرکز علمی رسوخ کرده، یک مقدار خطرناکه. یعنی مواظب باشیم که با این شکل نگاه کردن، از علم که فرهیختگی هست و لذت بردن از آن کمی فاصله می‌گیریم."

۱-۲ درآمدزایی هدف ثانویه و نه اولیه

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ از دانشگاه به عنوان مکان حقیقت‌جویی یاد نموده و ادامه می‌دهد: "من شخصاً معتقدم آموزش عالی یک کالای عمومی است و دانشگاه‌ها نباید به سمت کسب درآمد برن. به نظر من دانشگاه مکان حقیقت‌جویی است. یعنی اینکه برای جامعه‌اش و سعادت بشریت فکر کنه، نه برای بازار یا کسب منابع درآمدی. دانشگاه‌های دولتی ما بایستی هم و غمشون کمک به رشد جامعه مدنی و پاسخ به مسائل جامعه باشه و اگر دانشگاه‌ها درگیر کسب درآمد بشن از وظیفه اصلی شون دور می‌شن. بنابراین به نظر من بحث تأمین منابع مالی در واقع یک جور از زیر بار مسئولیت در رفتن دولته. حرف من اینه که اگر دانشگاه‌ها به سمت گسترش تولید علم برونند، اشکالی نداره، اما یک بنگاه اقتصادی مرکز توجهش سوده. یعنی وقتی شما وارد اتاق رئیس دانشگاه بشین، شما رو به چشم یک منبع درآمد ببینه. اگر این رویکرد بر دانشگاه‌ها حاکم بشه، همون اندک امیدیه که به تحول‌یابی داریم از بین میره. دانشگاه‌های ما نقشی فراتر از یک سازمان تولید علم دارند. خیلی از تحولات سیاسی و فرهنگی ما ریشه در دانشگاه‌ها داشته. بنابراین این جایگاه نباید ضعیف بشه. اگر شما ریل اینها رو عوض کنید و بیایند توی وادی اقتصاد، اون نقش‌هاشون رو از دست می‌دهند. فروکاستن رسالت دانشگاه به فقط آموزش و اینکه از یه جایی یه پولی در بیاره و امورات خودش رو بگذرونه، ضربه زدن به مغزهای این کشوره. البته با کسب سود به عنوان یک هدف فرعی موافقم اما یک نظارتی باید باشه که بیش از حد دنبال کسب سود اقتصادی نباشه". مشارکت‌کننده شماره ۲۲ نیز معتقد است: "درآمدزایی دانشگاه‌ها تا وقتی که اهداف اصلی، لطمه نخوره، مثبته. نه تنها مثبت بلکه موتور حرکته. مگه ما نمی‌خوایم مشکلات جامعه رو حل کنیم؟ منتها اگه بداخلاقی‌هایی وجود داشته باشه، مناسب نیست."

۱-۳ جایگاه آموزش عالی در گفتمان‌ها

یکی از موضوعاتی که همواره نظام‌های آموزشی می‌بایست موضع خود را نسبت به آن مشخص کنند تلقی از آموزش به عنوان یک کالای عمومی یا اختصاصی است. تأثیرات بهره‌گیری از آموزش در بهره‌وری زندگی انسانها سبب شده است که دسترسی به آموزش یک دغدغه باشد. سیاست‌گذاران آموزشی می‌بایست مشخص کنند که آیا باید آموزش عالی نیز مانند آموزش عمومی یک فرصت برابر برای همه تلقی شود یا خیر؟ پاسخ به این سوال می‌تواند چشم‌انداز آموزش عالی را نیز در فرایند تأمین منابع مالی دستخوش تحول نماید. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این خصوص معتقد است: "نکته‌ای که به نظر من وجود داره اینه که در ایران، دولت تکلیف خودش رو با نظام آموزش عالی به عنوان یک کالای عمومی مشخص نکرده. یعنی ابتدا بایستی هر جامعه‌ای در یک گفتمان عمومی تکلیفش رو با آموزش عالی خودش مشخص کنه. مثلاً فرض کنید کشورهای اروپای غربی مثل اسکاندیناوی یا سوئد بیشتر آموزش عالی رو به عنوان یک کالای عمومی می‌بینند که منافعی به همه می‌رسه. بنابراین بیشترین کمک رو هم به دانشگاه‌ها می‌کنند. اما توی ایران چون هنوز در یک پروسه دیالوگ اجتماعی به این سوال پاسخ ندادیم که تکلیف آموزش عالی چیست و چه جایگاهی داره؟ یک نوع سردرگمی و بلاتکلیفی می‌بینیم و بیشتر در واقع رویکرد از زیر بار مسئولیت در رفتن مشاهده می‌کنیم. مثلاً در سال هفتاد، دانشجویان شهریه‌پرداز ما کمتر از دانشجویان رایگان بودند ولی در سال ۹۴، حدود ۸۴ درصد دانشجویان شهریه‌ای بودند به نظر من در هر نظامی راجع به سیاست خارجی، منافع ملی، اقتصاد بازار آزاد، راجع به آموزش عالی، امنیت و ... باید این پروسه اجتماعی شکل بگیره تا در ضمن اون ما تکلیفمون

24. Knowledge broker

رو مشخص کنیم." مشارکت‌کننده شماره ۱ نیز بر اهمیت دانشگاه‌ها تاکید می‌نماید: "مسئله بحران مالی و کمبود اعتبار در همه دوره‌ها وجود داشته، اما مسئله‌ای که در میزان تخصیص تأثیرگذاره میزان اهمیت اون بخشه که مثلاً بخش فرهنگ را اولویت قائل بشیم یا بخش نظامی. اگر فرهنگ ایجاب کنه می‌تونیم نقش دانشگاه رو درصدر ببینیم و نه در ذیل."

۲- تامین مالی دانشگاه‌ها

یکی از مهمترین عناصری که کل نظام آموزش عالی (ابعاد سازمانی، کیفیت، دسترسی و...) را متاثر می‌سازد، نظام تامین مالی موسسات آموزش عالی است. جنبه‌های مالی آسیب‌پذیرترین فعالیت‌های این موسسات می‌باشد (پرانوسین و پورایت^{۲۵}، ۲۰۱۰).

۱-۲ لزوم نقش آفرینی دولت در تامین مالی دانشگاه‌ها

با گسترده شدن مقوله جهانی شدن اقتصاد و همچنین لزوم توجه به ارتقاء کارایی و اثربخشی آموزش عالی، مدیریت تامین نیازهای آموزشی و پژوهشی به عنوان یکی از وظایف اساسی دولت‌ها قلمداد می‌شود. در ایران بخش اساسی منابع آموزش عالی از محل بودجه عمومی دولت تامین می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۹۴).

مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این خصوص می‌گوید: "ما باید دانشگاه رو فارغ‌بال از راه‌های کسب درآمد قرار بدیم تا بتونه روی رسالت‌های خودش فکر کنه. دولت داره برای دانشگاه‌ها کم می‌ذاره و داره خودش رو راحت می‌کنه. درحالی که این راحت‌شدن به قیمت ضربه زدن به منافع کشور تموم میشه. ما نباید زیاد به سمت اینکه دولت کم پول داده، پس دانشگاه خودت پول دربیاری، بریم. باید مسئله رو عوض کنیم: دولت مهمترین بخش تو آموزش عالیه. منافع بلندمدت در آموزش عالیه. مسئولیت‌های دولت باید پررنگ بشه و وقتی دولت مسئولیتش رو انجام داد، اشکالی نداره که دانشگاه دانشجوی خارجی بگیره. برون‌سپاری کنه. ۷۰-۸۰ درصد درآمد رو باید دولت پرداخت کنه و دولت کار درستی نمی‌کنه که دانشگاه‌ها رو به حال خودشون واگذار کرده، بلکه باید جایگاهشون رو تقویت کنه." مشارکت‌کننده شماره ۱ با تاکید بر نقش دولت در تامین مالی دانشگاه‌ها اظهار می‌دارد: "به نظرم دولت هرگز نباید از تامین بودجه دانشگاه‌ها شانه خالی کنه. هرچند این نافی رسالت دانشگاه برای ارتباط با صنعت و غیره هم نیست. هر دو طرف باید تلاششون رو بیشتر کنند." شرکت‌کننده شماره ۸ بر نقش دولت تاکید دارد: "اگر قرار است بخش خصوصی یا مشارکت مردمی رو در دانشگاه فراهم کنیم به این معنا نیست که دولت وظایفش رو فراموش کنه. اتفاقاً در این حالت وظایف دولت دو چندان میشه. چون قبلاً احتیاجی نبود که نظارت داشته باشه، ولی الان باید نظارت کنه. باید منابع مالی‌اش رو بهتر و بهینه‌تر تخصیص بده. در واقع، منابع مالی‌اش رو به گونه‌ای تخصیص بده که بازیگران بهتر بتونند بازی کنند. به محض اینکه بخش خصوصی یا دانشگاه پاش رو خطا گذاشت یا جایی نیازمند پشتیبانی یا حمایت بود، اون باید ورود کنه، قوانین رو تغییر بده، وضعیت رو شفاف کنه."

۲-۲ عدم توانایی مالی دولت برای حمایت بیشتر از دانشگاه

نظام آموزش عالی کشور ما طی چند دهه اخیر با چالش‌های متعددی نظیر رشد فزاینده متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و دانشجویان، همراه با فشار از سوی جامعه برای مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بیشتر مواجه بوده است. کمبود منابع مالی مورد نیاز موسسات آموزشی برای توسعه دانشگاه‌ها و پاسخگویی به نیازهای مزبور به عنوان یکی از چالش‌های اصلی نظام آموزش عالی کشور مطرح بوده است (عزتی و نادری، ۱۳۸۸). مشارکت‌کننده شماره ۸ معتقد است:

"همواره دانشگاه‌های دولتی منابع مالی زیادی احتیاج دارند که دولت متأسفانه نتوانسته یا نمی‌تونه این منابع مالی را بهشون اختصاص بده و دانشگاه‌های آموزش عالی دولتی، به‌خصوص با کمبود منابع مالی مواجه شده‌اند. با تغییراتی که در اقتصاد رخ داده توانایی دولت در پرداخت منابع مالی به دانشگاه‌ها کاهش پیدا کرده و عملاً اولویت دولت در هزینه کرد منابع مالی‌اش در دانشگاه‌ها نیست و به همین خاطر هم طی دو سه دهه گذشته بخش‌های غیردولتی که منابع مالی‌شان را از شهریه عمدتاً تامین می‌کنند، گسترش یافته‌اند."

۳-۲ ضرورت تامین و تنوع بخشی مالی دانشگاه

با توجه به افزایش بسیار زیاد دانشگاه‌ها و دانشجویان، دانشگاه‌ها به یکی از سازمان‌های هزینه‌بر برای کشور تبدیل شده‌اند و تامین مالی دانشگاه‌ها به یکی از چالش‌های پیش روی نظام آموزش عالی بدل شده است. از این رو یافتن راه‌هایی که بتوان دانشگاه‌ها را مجهز به تامین منابع مالی خود کرد موضوعی قابل تامل

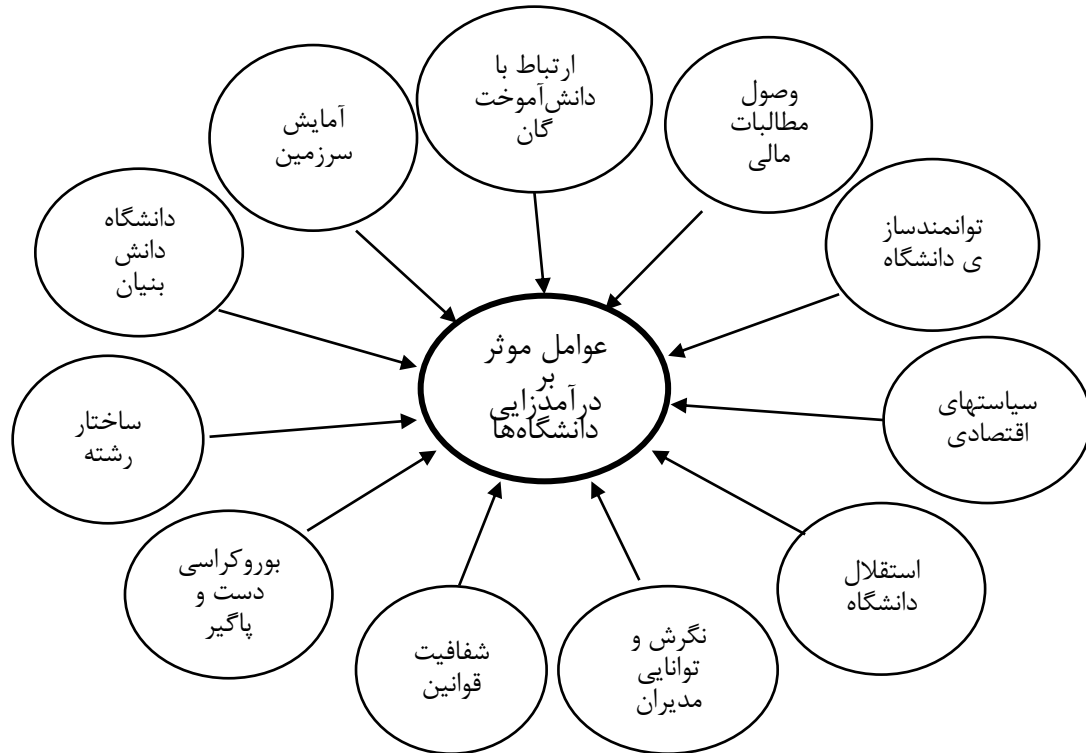
است. این ضرورت در نگاه مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ چنین برشمرده شده است: "اگر کارکرد اساسی دانشگاه‌ها رو آموزشی، پژوهشی و فرهنگی در نظر بگیریم، این سه تا کارکرد محقق نمیشه مگر در بستر مالی. مگر با پایه‌ها و بنیه‌های اقتصادی. بدون پول، این برنامه‌ها قابل اجرا نیست. حضور اساتید، انجام پروژه‌ها، ساخت و سازها، فضاهای کالبدی منوط به پوله. طبق گزارشاتی که از حوزه‌های مختلف وجود داره، منابع دانشگاهی امروز براساس مقاصدی که دارند، کفایت لازم رو نداره. اینکه بخش اعظمی از دانشگاه‌های ما رویکرد غیرانتفاعی یا درآمدزایی به خودشون گرفتند موید این نکته هست که منابع موجود کفایت لازم رو اصلاً برای این کار نداره. یعنی نمی‌تونند ارتزاق کنند یا پاسخگوی هزینه‌هاشون باشند. وقتی پردیس‌ها شکل می‌گیرند، یعنی دولت پذیرفته که منابع دانشگاه‌ها کفایت لازم رو برای پشتیبانی از برنامه‌هاش نداره و بنابراین بهش اجازه می‌ده که پول بگیره. رویکرد تمام سیستم‌ها، حتی دانشگاه‌ها به این سمته که مثلاً ۶۰-۵۰ درصد و حداکثر ۷۰ درصد منابع لازم رو خودشون تامین کنند و کمتر از منابع دولتی ارتزاق کنند. این مسئله کاملاً به رویکرد دانشگاه، سیاست‌های دانشگاه، اهداف برنامه‌هاش و محیطی که در اون قرار گرفته بستگی داره." شرکت‌کننده شماره ۸ نیز بر این ضرورت تاکید می‌نماید: "چه اشکالی داره مثلاً دانشگاه تهران با بخشی از دارایی‌هاش شرکت دانش بنیان خریداری کنه و خودش رو ذی‌نفع بدونه در این که اون شرکت رو کارا کنه تا کالایی رقابت‌پذیر و با کیفیت تولید کنه. ما همیشه دانشگاه‌ها رو از این که به منابع مالی آلوده بشن، منع کردیم. در صورتی که به نظر من اگر قوانین درستی داشته باشیم و دولت نقش خودش رو درست ایفا کنه، رفتن به دنبال منابع مالی، دانشگاه‌ها رو خسته و کاراتر می‌کنه." مشارکت‌کننده شماره ۱۳ نیز در این باره معتقد است: "دانشگاه‌ها باید مشتریان جدید پیدا کنن. مثلاً چه اشکالی داره که برای کارکنان سازمان‌ها دوره‌های بازآموزی بذارن؟ یا چرا نباید توی اقتصاد، کلینیک‌های مشاوره کشاورزی ایجاد کنیم؟ برای اینکه به قسمتش به ماهیت آموزش‌هایی که ما می‌دیم برمی‌گرده. من مهندس معدن تربیت می‌کنم که بیاد پشت میز بشینه. من از اول بهش نگفتم که کار تو توی معدنه، ها. ما به کشور

25. Pranevičienė & Pūraitė

کشاورزی هستیم چقدر به این سمت رفتیم که کلینیک‌های کشاورزی ایجاد کنیم؟ اصلاً کسی حاضر می‌شه وارد این کارها بشه؟". مصاحبه‌شونده شماره ۸ نیز با اشاره به ناتوانی دولت، در خصوص الزام دانشگاه‌ها به تامین مالی می‌افزاید: "وقتی دولت توانایی پرداخت منابع مالی رو نداشته باشه دانشگاه باید منابع مالی‌اش رو از سایر بخش‌ها تامین کنه. از این الزام بالاتر چیز دیگه‌ای نداریم. برای اینکه این ارتباط هم شکل بگیره دوباره به دولت متوسل می‌شه چرا که بخش اقتصاد ما هم بخش اقتصاد دولتی است و دولت باید اجازه بده که این ارتباط شکل بگیره." با این حال مشارکت‌کننده شماره ۹ مخالف حضور دانشگاه در فعالیتهای اقتصادی است. وی اذعان می‌دارد: "کارکرد دانشگاه فعالیت‌های اقتصادی نیست. دانشگاه نباید به سوی کارهای اقتصادی و رفاهی بره".

۳- عوامل موثر بر درآمدزایی دانشگاه‌ها

جهت ایجاد و کسب درآمد در دانشگاه‌ها مجموعه عوامل مختلفی دخیل هستند. مشارکت‌کنندگان پژوهش این عوامل را به شرح زیر دانسته‌اند.



۳-۱ نقش سیاست‌های اقتصادی کشور در درآمدزایی دانشگاه

سیاست‌های یک جامعه همواره عملکرد بخش‌ها و ارگان‌های آن را متاثر می‌کند. سیاست‌های حاکم، بر درآمدزایی دانشگاه‌ها نیز موثر است. مشارکت‌کنندگان این شرایط را با ذکر ویژگی‌هایی بیان می‌کنند:

۳-۱-۱ نبود اقتصاد سالم و رقابتی

مصاحبه‌شونده شماره ۸ به مشکلات موجود در دانشگاه‌ها بصورت کلان نگرسته و آن را به کل جامعه سرایت می‌بخشد: "همون مشکلاتی که در حوزه اقتصادی وجود داره، رو دقیقاً در دانشگاه‌ها می‌بینیم. در واقع دانشگاه در ظرفی قرار می‌گیره که اون ظرف نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه هست. شما وقتی کمبود منابع مالی دارید می‌بینید که دانشگاه‌ها هم با همون درد مواجه می‌شوند. در واقع دانشگاه‌ها آئینه‌ای است که همون نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی رو در خودش می‌بینه. اگر در اونجا تمرکز می‌بینید در اینجا هم تمرکز. اگر اونجا عمدتاً دولتی و حکومتی است اینجا هم همون رو دارید می‌بینید. خیلی تفاوت مشاهده نمی‌کنید

و اینکه بتوانید دانشگاه‌ها رو به گونه‌ای تغییر بدید که جدا از نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی باشند، به نظر من خیلی راه به جایی نمی‌برید و بنابراین مشکلات در حوزه منابع مالی گره خورده با اون مشکلات بزرگی که در نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ما وجود داره.... قبل از اینکه به بحث تأمین مالی بپردازیم لازم‌ه‌اش اینه که اقتصاد ما به اقتصاد نرمالی باشه. به اقتصاد بالنده باشه. به اقتصاد کارائی باشه. اقتصاد ما مبتنی بر منابعه که می‌تونه تبدیل بشه به اقتصاد مبتنی بر کارائی و بعد هم اقتصاد مبتنی بر نوآوری. در دانشگاه‌ها هم همین وضعیت رو داریم. یعنی دانشگاه‌ها هم مبتنی بر منابع‌اند. دانشگاه‌ها هم منابع مالی رو ایجاد نمی‌کنند. در واقع منابع مالی رو مصرف می‌کنند و خب یک سری خدماتی هم مثل سایر بخش‌های دولتی ارائه می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۲ اقتصاد جامعه را در بروز مشکلات دخیل می‌داند: "اساس اقتصاد بیمار است. با توجه به سیستمی که در کشور ما حاکم هست، اقتصاد سیاسی که وابسته به دیدگاه‌های افراد و وابسته به دولت‌ها است، فکر می‌کنم که ده سال دیگر هم همین وضعیت است و یک بخور و نمیری در دانشگاه‌ها هست. یک روزمرگی و بی‌تحرکی پیش خواهیم گرفت و دانشگاه رکود گسترده‌ای را دنبال خواهد کرد. این‌ها وابسته به اینه که اقتصاد اول است. باید متوجه شد که بایستی به قافله جهانی پیوست."

شرکت‌کننده شماره ۱۳ نیز می‌گوید: "مگر روابط سالم و بازار اقتصادی در کشور و دانشگاه‌های ما حاکمه؟ جایی که رقابت نیست و رانت وجود داره. فرض کنید یک دانشگاه دارید مثل دانشگاه تهران که نماد دانشگاه در ایران است، یک دانشگاه مثل [.....] که با نهادهای مختلف به واسطه مدیرانی که اونجاها هستند، ارتباط داره. یک دانشگاه هم دارید در منطقه‌ای که نه صنعتی است، نه خدماتی. این از کجا بره تأمین مالی کنه؟ زیرساخت‌هاش رو هم ما ایجاد نکردیم. چون از ابتدا هم بر اساس نیاز شکل نگرفته. از این طرف اقتصاد سالم و رقابتی هم نداریم. اقتصاد ما اقتصاد بده-بستان‌هاست. اقتصاد هیأتیه."

۳-۱-۲ تأثیر رکود اقتصادی

مصاحبه‌شونده شماره ۴ بر نقش رکود اقتصادی در درآمدزایی دانشگاه‌ها تأکید می‌کند: "ما می‌تونیم با واحدهای بیرون چه دولتی و خصوصی وارد تعامل بشیم و خدمات اجرایی، مشاوره‌ای به اون‌ها ارائه کنیم، منتها رکود کشور روی همه تأثیر گذاشته. مثلاً ادارات منابع طبیعی و محیط زیست که قرابت موضوعی با دانشکده ما دارند و ما می‌تونیم با اون‌ها وارد مذاکره بشیم و خدمات مشاوره‌ای و پژوهشی داشته باشیم، این‌ها تقریباً فعالیت‌های پژوهشی شون رو متوقف کردند. این اتفاق، مانع بزرگی است که در چند سال اخیر همه کارها رو متوقف کرده. الان بخش خصوصی در رکود شدیده. چون آن‌ها در حال رکود هستند، خدماتی رو از ما درخواست نمی‌کنند. این یک دومینو است. ما نمی‌تونیم انتظار داشته باشیم که بخش‌های مختلف جامعه در رکود باشه، پهلو یک بخش رونق داشته باشه."

۳-۲ لزوم استقلال دانشگاه در کسب درآمد

دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی و با یک کادر علمی فردیتی دارد که لازم است شرایط خاص کاری که لازمه انجام دادن بهینه این مسئولیت‌هاست، تضمین شود. این امر شامل دو مفهوم یعنی استقلال و آزادی علمی در دانشگاه‌هاست (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸) که از دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۸ چنین بیان شده است:

"برای اینکه بتوانیم دانشگاه‌ها رو به تنوع‌بخشی منابع مالی تشویق کنیم، قبل از اون احتیاج داریم که به اون‌ها استقلال بدیم که خوشون برای خودشون تصمیم بگیرند. این استقلال دانشگاهی معنایش خیلی روشنه: اینکه دانشگاه بتونه خودش دانشجو رو بگیره، هیأت علمی رو خودش بگیره. بنابراین با توجه به اهدافی که داره، با توجه به برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدتی که داره، دانشجویها و اعضای هیأت علمی خاصی رو خواهد گرفت. برنامه درسی خاصی رو تدوین خواهد کرد. برنامه‌های آموزش مناسبی رو تدوین خواهد کرد و نهایتاً تصمیم می‌گیره (برای اینکه اون کیفیت خدماتش رو حفظ کنه) چگونه تقاضای بیرون رو که در هر حال صنعت و جامعه است جواب بده. بنابراین اون موقع خودش باید رئیسش رو انتخاب کنه."

۳-۳ نگرش و توانایی مدیران در درآمدزایی

یکی از عوامل موثر در درآمدزایی دانشگاه‌ها، توانایی مدیران در کسب درآمد از منابع مختلف می‌باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۲ معتقد است: "در بودجه عمومی اگر رابطه با مقامات بالا بیشتر باشه، قدرت جذب اعتبارات بیشتری رو داره". قدرت چانه‌زنی مدیران در تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها موثر است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ در این باره می‌گوید: "وقتی منابع مالی تون از دولت تأمین میشه دنبال این هستید که ارتباطتون رو با دولت و با کسانی که تصمیم‌گیر هستند در حوزه بودجه افزایش بدید و از اون راحت استفاده کنید و منابع مالی تون رو تأمین کنید. از طریق چانه‌زنی منابع مالی تون رو افزایش بدید و این در همه جا هم هست. بنابراین کسانی که ارتباط بهتری دارند، ارتباط قوی‌تری دارند، رانت بیشتری دارند منابع مالی بیشتری نیز جذب خواهند کرد. مثلاً فرض کنید دانشگاه تهران منابع مالی بیشتر دریافت می‌کنه. دانشگاه صنعتی شریف نسبت به یک دانشگاه شهرستانی در منطقه محروم منابع بیشتری جذب می‌کنه و حتی صداس هم بهتر به مرکز می‌رسه". توانایی مدیران دانشگاهی در درآمدزایی از نگاه مشارکت‌کننده شماره ۱۳ این گونه بیان می‌شود: "در کنار بودجه دولتی و این بحث شایسته‌سالاری، آدم‌های خلاق و نوآور و ریسک‌پذیری می‌خوایم که درآمدزایی کنند. چه طور دانشگاهی می‌یاد دو سه برابر بوجه دولتی رو از درآمد اختصاصی کسب می‌کنه اما یک دانشگاه دیگه کمبود بودجه داره؟ این برمی‌گرده به مدیریت."

بدون شک دیدگاه مدیران نسبت به اهمیت درآمدزایی و تأمین منابع مالی در کسب درآمد دانشگاه‌ها موثر است. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید: "الان دیدگاه‌های مختلف وجود داره. مثلاً الان روسای دانشگاهی‌ای هستند که معتقدند به هیچ وجه نباید ساحت دانشگاه به پول آلوده بشه و از طرف دیگه بعضی دانشگاه‌ها چنین اعتقادی ندارند. ایجاد انگیزه تا حد زیادی به ویژگی‌های رئیس دانشگاه تقلیل پیدا می‌کنه". شرکت‌کننده شماره ۲۱ اذعان می‌دارد: "من چند بار به مسئولین گفتم ما بودجه‌ای از دولت نمی‌خوایم، بیایم خودمان درآمدزایی کنیم. اما همه می‌گفتن به ما ارتباطی نداره. کسی به این چیزا بها نمی‌ده. بزرگترین مشکلی که داریم اینه که روسای دانشگاه، چه قبل و چه الان به این کار اعتقادی ندارند. یک کاری که من کردم این بود که با اجازه هیأت امنا با بانک صحبت کردیم که پولمون رو توی بانک بذاریم و ازش سود بگیریم. الان ماهی ۱ میلیارد سود میده. خیلی بیشتر از این‌ها می‌تونستیم از این پول استفاده کنیم اما مسئولان دنبال دردسر نیستند". مشارکت‌کننده شماره ۲۱ وضعیت دانشگاه خود را چنین بیان می‌دارد: "ما از استقلال کامل برخورداریم. اجازه سرمایه‌گذاری وجود داره، اما خواستش وجود نداره. وضعیت مناسبه اما متولی وجود نداره. برای رفع موانع باید دیدگاه مدیران تغییر کنه. نگرش افراد مسئول و کارکنان تغییر کنه. مدیر باید با دید درآمدی اومده باشه."

دید افراد باید از خزانه‌ای به داخلی تغییر کند. اگر خزانه یک سال پول نداشت باید چکار کنیم؟ باید نظام حسابداری ایجاد بشه. سامانه‌ها باید خیلی قوی بشن. من الان همین جا که نسستم می‌تونم هزینه‌ها رو ببینم اما درآمدهامون مشخص نیست و یک نفر هم باید به طور مرتب این چیزها رو رصد کنه. ایجاد اداره‌ای به نام اداره درآمدها. دولت باید یواش یواش این کار رو انجام بده. اما باید زمان داده بشه."

۳-۴ شفافیت قوانین

مشارکت‌کنندگان پژوهش قوانین شفاف و اعلام شفاف وضعیت دانشگاه‌ها را یکی از عوامل موثر در عملکرد دانشگاه‌ها می‌دانند. مصاحبه‌شونده شماره ۸ معتقد است: "شما مثلاً همون دانشگاه هاروارد رو نگاه کنید هر سال درآمدهاش رو شفاف اعلام می‌کنه. خیلی شفافه: چقدر پول گرفته، چقدر خرج کرده، چقدر مونده، چقدر بدهکاره، چقدر وام داره. دانشجوی کیه. هیأت علمیش کیه. همه چیز شفافه. اما شما چنین شفافیتی رو در سازمان‌های دولتی حتی خصوصی‌مون نمی‌بینید. اگر قراره صنعت به دانشگاه اعتماد کنه، باید بدونن این پولی که می‌ده رو دانشگاه چه کار می‌کنه." شرکت‌کننده شماره ۱۲ نیز با تأکید بر اهمیت شفاف‌سازی، می‌افزاید: "خصوصی‌سازی ۱۰۰٪ باعث شفافیت میشه. البته تهیه گزارشات مالی شفاف خیلی سخته. چون دانشگاه‌های ما دانشگاه‌هایی هستن که صورت مالی نداشتند. به صرف اینکه دولتی بودن خودشون رو ملزم به گزارش‌های مالی نمی‌دونستند. خیلی از اطلاعاتشون و خیلی از دارایی‌هاشون اصلاً مشخص نیست. به همین خاطر یکی از مشکلات اصلی که در نظام آموزش عالی داریم اینه که بهای تمام شده برای دانشجوی مشخص نیست. چون این برای هزینه‌های متغیر می‌تونیم حساب کنیم. روی هزینه‌های ثابتی که وجود داره مثل ساختمان، تشکیلات اصلاً کاری نشده. ارقامی که وجود داره همه‌اش ارقام تاریخیه. دانشگاه‌های ما اگر به این سمت برن که صورت‌های مالی تدوین کنند، گزارشات مالی داشته باشند، گزارشات مالی شون هم به روز و صحیح باشه، خوب مطمئناً خیلی در برنامه‌ریزی‌هاشون نقش به‌سزایی داره."

۳-۵ عدم وجود بوروکراسی دست و پاگیر

به منظور انسجام بخشیدن برنامه‌های سازمان در مسیر دستیابی به اهداف از ساختارهای بوروکراتیک استفاده می‌شود (دانش‌فرد، ۱۳۸۶). مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این باره معتقد است: "ما یک مشکلات ساختاری داریم. یک بوروکراسی پیچیده داریم و یک سیستم تنبل و ضعیف. خیلی از امورمون به روز شده، ولی خیلی از سیستم‌های مالی مان مال زمان قاجاره. این‌ها همیشه آزردهنده است. شما باید ۱۰۰ واحد انرژی صرف کنید تا ۱ واحد کار بشه. این پیچیدگی و تنبلی یک مانع است." شرکت‌کننده شماره ۱۲ با ایجاد تمایز بین قوانین دانشگاه‌ها و سایر بنگاه‌ها می‌افزاید: "دانشگاه یک بنگاهی است که به جورایی در ذیل قوانین و مقررات شرکت‌های دولتی اداره میشه. چون بودجه‌اش از بودجه دولتی می‌یاد، بنابراین قوانین حاکم بر دانشگاه هم عمدتاً قوانین دولتی است که بر دانشگاه‌ها حاکمه. بنابراین مثل بنگاه خصوصی نیست. قوانین دانشگاه‌های دولتی محدودیت‌های خاص خودش رو داره و آزادی عمل برای انجام هر کار اقتصادی رو از شون می‌گیره. اگر قراره دانشگاه‌ها به سمت درآمدزایی برن، باید تا حدودی این موانع براشون تسهیل بشه و اگه می‌خوان دانشگاه‌های نسل چهارم که دانشگاه‌های کارآفرین هستن، بشوند، قوانین حاکم بر اداره این نهادها هم متناسب با اون تغییر کنه. باید آزادی عمل داشته باشند تا بتونند خلق ثروت کنند."

۳-۶ تأثیر ساختار رشته در درآمدزایی

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان میزان درآمدزایی در دانشگاه وابسته به ساختار رشته نیز هست. برخی رشته‌ها ماهیتاً امکان درآمدزایی در آن‌ها وجود دارد و برخی از رشته‌های بنیادی این امکان کمتر برای آن‌ها فراهم است. شرکت‌کننده شماره ۱۸ نیز با گفتن این جمله که "درآمدزایی به شدت به ماهیت رشته وابسته است." بر این موضوع صحنه می‌گذارد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ با مقایسه رشته‌های دانشگاهی اذعان می‌دارد: "ریشه مشکلات مالی، در دانشگاه‌های علوم انسانی، در دانشگاه‌های فنی و مهندسی، در دانشگاه‌های کشاورزی، و علوم پایه متفاوت، چون انتظارات متفاوتی از هر کدام داریم و کاربردها و انتظارات متفاوتی از پژوهش‌های دانشگاهی دارند. یک سری دانشگاه‌ها هدفشون تولید دانش بنیادیه. یک سری نقش هویت علمی و فرهنگی دارند و یکسری دانش کاربردی تولید می‌کنند. درآمدهای این سه قشر قطع به یقین می‌تونه متفاوت باشه که توی تحلیل‌ها باید مورد توجه قرار بگیره." مشارکت‌کننده شماره ۲۰ معتقد است: "در رشته‌های علوم پایه کسب عایدات سخته. اما انتظار می‌ره که رشته‌های علوم کاربردی در رشته‌ها و تحقیقات مرتبط با خودشون، بتونن ارتباطاتی داشته باشند. مثل دانشکده کشاورزی، پزشکی. ولی دانشکده‌هایی مثل ریاضی یا فیزیک معمولاً خیلی سخته و حالا نه اینکه واقعاً نداریم، بلکه پراکنده و غیرمنظم داریم. به صورت ساختار یافته نداریم."

۳-۷ وجود دانشگاه دانش‌بنیان

دانشگاه‌ها با نگرش نو به آموزش، تحقیقات، نوآوری و توسعه‌ی فرهنگ کارآفرینی، دست به تحول اساسی زده و با تربیت نیروهای محقق، خلاق و توسعه یافته زمینه ورود به صنایع پیشرفته را به سهم خود فراهم می‌کنند (دولتیایی و آقایی، ۱۳۸۸). مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ می‌گوید: "خودم به این ضرب‌المثل اعتقاد دارم که کوزه‌گر از کوزه شکسته آب می‌خوره ما چرا می‌گیم شرکت‌های دانش بنیان؟ چرا این اصطلاح باب شد؟ در کشور ما وقتی می‌گیم روز معلم، روز پرستار، این نشون می‌ده که به جاهایی بهشون کم توجه کردیم، می‌یابیم یک روزی براشون می‌ذاریم. می‌گیم هفته پژوهش. یعنی دیگه خیلی به پژوهش ظلم کردیم یه هفته براش اختصاص می‌دیم. ما دانشگاه‌هامون اصلاً باید دانش بنیان باشه. الان یک کرختی خاصی دانشگاه‌هامون رو گرفته. وقتی می‌ایم توی اقتصاد ما نگاه می‌کنیم نقطه ضعف‌هاشون هیات علمی هامونند. هیات علمی‌های ما در راس هرم‌اند. یکی وزیر اقتصاد شده، یکی رئیس اداره مالیات شده و اون یکی مدیر گمرک شده. بنابراین از خودمون داریم ضربه می‌خوریم. دیگه اینکه دانشگاه‌های ما خودشون دانش بنیان نشده‌اند." مشارکت‌کننده شماره ۸ نیز معتقد است: "ما به دلیل اینکه در حوزه اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان حرکت نکردیم یا دانش در واقع ارزش زیادی در تولید و خدمات ما نداره، دانشگاه‌ها نیز از ارج و قرب کافی برخوردار نیست و بنابراین دولت و دانشجویان به عنوان مشتریان اصلی دانشگاه باید منابع مالی رو تأمین کنند."

۳-۸ توجه به آمایش سرزمین

همچنان که در نقشه جامع علم و فن آوری کشور تصریح شده است، گسترش دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی باید منوط به نتایج مطالعات آمایش باشد (آهنچیان، ۱۳۹۱). امری که از دیدگاه شرکت‌کننده شماره ۱۳ در دانشگاه‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد: "بحث آمایش هم یکی از مشکلات دانشگاه‌هاست. ببینید در یک منطقه کشاورزی، دانشگاه به جای اینکه صنعت کشاورزی رو راه‌اندازی کنه، علوم انسانی ایجاد می‌کنه. در جایی که اصلاً کشاورزی وجود نداره، دانشگاه تخصصی کشاورزی ایجاد کرده. خوب این چه در آمدی می‌تونه کسب کنه. خوب کویره، چه کار می‌تونه بکنه؟ هرچند نوآوری و خلاقیت و ابتکار رو منکر نمی‌شم ولی بحث آمایش رو اگر می‌دیدیم و اگر دانشگاه‌ها برای پاسخگویی به نیازهای محیطی در کنار صنایع و کارخانه‌ها و پارک‌های علم و فناوری بودند، خیلی خوب بود."

۳-۹ ایجاد پل‌های ارتباطی بین دانشگاه و دانش‌آموختگان

یکی دیگر از عوامل مهم در تأمین مالی دانشگاه‌ها ارتباط بین دانشگاه و دانش‌آموختگان است. مصاحبه‌شونده شماره ۸ در این خصوص می‌گوید: "دانشگاه‌هایی مثل هاروارد، انجمن دانش‌آموختگان دارند. ارتباط بین دانشگاه و دانش‌آموختگان قطع نمیشه و دانشگاه از این طریق می‌تونه خودش رو آپدیت کنه. می‌تونه خودش رو تأمین مالی کنه. وقتی که دانشجوی شما رفت توی صنعت و شما باهاش ارتباط داشتین، اون موقع شما می‌تونید بفهمید که اون دروس و اون مهارت‌هایی رو که به دانشجو انتقال دادید، چقدر در صنعت مفید بوده و این ارتباط باعث افزایش کارایی دانشگاه میشه. اثربخشی رو افزایش می‌ده و همچنین منابع مالی‌اش تأمین میشه. در واقع دانشجو وقتی وارد صنعت میشه ارتباطش با دانشگاه قطع نمیشه و اون احساس تعلق که به دانشگاه داره همچنان برایش باقی می‌مونه و وقتی در صنعت موفق میشه، منابع مالیش رو منتقل می‌کنه به دانشگاه. چرا که احساس می‌کنه که دانشگاه هستش که باعث شده در کارش موفق باشه. ولی چنین ارتباطی در دانشگاه‌ها ما وجود نداره."

۳-۱۰ لزوم توانمندسازی دانشگاه‌ها

مشارکت‌کننده شماره ۱۲ لزوم توانمندسازی دانشگاه را با هیجان چنین توضیح می‌دهد: "دانشگاه باید خودش این پتانسیل رو در داخل خودش ایجاد کنه تا بتونه از ظرفیت‌هاش خلق ثروت کنه. به جای اینکه بهش کمک کنند. یعنی اگر دانشگاه توانایی حل مسائل جامعه رو پیدا کنه، توی جامعه کسانی هستند که برای حل مشکلات شون پول بدنند. به خاطر همین، دانشگاه باید توانایی حل مسئله رو پیدا کنه تا این کار انجام بشه." شرکت‌کننده شماره ۱۳ نیز در این باره معتقد است: "باید زیرساخت‌هایی مثل نهادهای رابط در دانشگاه‌ها ایجاد بشه. نهادهایی که توانمندی‌های دانشگاه رو ایجاد کنه. افراد خلاق و کارآفرین دانشگاه رو شناسایی کنه و هسته‌های تشکیل‌دهنده و ایده‌پروری رو ایجاد کنه."

۳-۱۱ وصول مطالبات مالی دانشگاه

یکی دیگر از عوامل مهم در زمینه تأمین مالی دانشگاه‌ها وصول مطالبات مالی دانشگاه است. بدین معنا که ممکن است دانشگاه منابع مالی را پیدا نماید اما درآمدهای آن به دانشگاه سرازیر نگردد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ می‌گوید: "خیلی از مبالغ وصول نمیشه. ما آموزش‌های آزاد داشتیم و یکسری اساتیدند که به خارجی‌ها تدریس می‌کنند و طبق قراردادی که با دانشگاه ... داشتیم قرار بود به دانشگاه پول بپردازه. پول رو به اساتید داده بود اما به دانشگاه واریز نشده بود. عین همین قضیه برای دانشجویان دارای سهمیه پیش اومد که در سال ۱۳۹۱ حدود ۳۴۰ میلیون از شون پول می‌خواستیم، اما رئیس دانشگاه این پول رو بخشید. مجدداً این همین قضیه را در آموزش مجازی داشتیم که حدود ۱ میلیارد طلبکار بودیم اما درآمدهاش وصول نشد."

جدول ۱-۱ کدگذاری مصاحبه‌ها با صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران دانشگاه‌های دولتی شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی را ارائه می‌نماید

کدگذاری در فرایند پژوهش

| کدگذاری باز | کدگذاری محوری |
|---|--|
| توجه به شان و ماموریت دانشگاه در درآمدزایی | توجه به ماموریت‌های دانشگاه |
| | توجه به رسالت علم |
| | رعایت شان و جایگاه دانشگاه در انجام فعالیت‌های اقتصادی |
| | تفاوت نقش و جایگاه دانشگاه در تخصیص اعتبارات مالی |
| درآمدزایی هدف ثانویه و نه اولیه | دانشگاه به مثابه مکان حقیقت‌جویی و نه بنگاه اقتصادی |
| | کسب سود به عنوان هدف فرعی |
| | نظارت بر میزان و روش‌های کسب سود |
| جایگاه آموزش عالی در گفتمان‌ها | مشخص نبودن جایگاه آموزش عالی ایران در گفتمان‌های عمومی |
| | تصمیم‌گیری درباره نقش آموزش عالی به عنوان کالای عمومی یا اختصاصی |
| | نگاه دولت به دانشگاه به عنوان یک مطالبه غیرعمومی برای افراد |
| لزوم نقش آفرینی دولت در تأمین مالی دانشگاه‌ها | ضعف تقاضای علم در ایران |
| | توجه دولت به وظایف خود در قبال دانشگاه |
| | لزوم تخصیص بهتر و بهینه تر منابع مالی دولتی |
| | وابستگی دانشگاه به دولت |
| | وجود سیاست‌های وابستگی به دولت |
| | لزوم حمایت دولت از تأمین مالی دانشگاه‌ها |
| | لزوم نظارت و وظیفه‌مداری دولت در عین استقلال دانشگاه‌ها |

| | |
|---|---|
| | لزوم حمایت مالی دولت از برخی رشته‌ها |
| عدم توانایی مالی دولت برای حمایت بیشتر از دانشگاه | کاهش توانایی دولت در تامین مالی دانشگاه‌ها |
| | گسترش دانشگاه‌های دولتی در دهه‌های اخیر |
| | وابسته بودن دانشگاه به نظام اقتصادی |
| | اقتصاد بالنده و کارا لازمه تنوع بخشی مالی دانشگاه‌ها |
| نبود اقتصاد سالم و رقابتی | عدم وجود روابط سالم و بازار اقتصادی |
| | نبود اقتصاد سالم و رقابتی |
| | نظام دولتی مبتنی بر رانت و منابع مالی دولتی |
| | نقش رانت و رابطه در جذب اعتبارات مالی دانشگاه |
| تاثیر رکود اقتصادی | تاثیر رکود اقتصادی کشور بر سازمانها |
| | عدم امکان ارائه خدمات اجرایی، مشاوره‌ای و پژوهشی به دلیل رکود اقتصاد کشور |
| لزوم استقلال دانشگاه در کسب درآمد | استقلال فکری و مالی دانشگاه‌ها جهت تنوع بخشی منابع مالی |
| | لزوم ایجاد ظرفیت‌های خلق ثروت توسط خود دانشگاه |
| | رفع مشکل انگیزشی دانشگاه‌ها با دادن استقلال |
| | استقلال دانشگاه‌ها زمینه‌ساز انگیزه و پویایی آنها |
| نگرش و توانایی مدیران در درآمدزایی | جذب اعتبارات عمومی توسط مدیران بر اساس رابطه با مقامات |
| | لزوم وجود افراد خلاق و ریسک پذیر جهت درآمدزایی |
| | دیدگاه مدیران نسبت به درآمدزایی و تامین مالی دانشگاه |
| | عزم و اراده مدیران برای درآمدزایی |
| | عدم اعتقاد مدیران دانشگاهی به درآمدزایی |
| | لزوم تغییر در دیدگاه مدیران برای درآمدزایی |
| | ارتباط بهتر با دولت و تصمیم‌گیران |
| شفافیت قوانین | نبود قوانین شفاف برای درآمدزایی توسط اعضای هیات علمی |
| | لزوم ایجاد قوانین و مقررات شفاف جهت برنامه‌های مالی دانشگاه |
| | خصوصی‌سازی عامل ایجاد شفافیت |
| | نبود شفافیت در درآمدها و هزینه‌های دانشگاه |
| | نبود شفافیت عملکرد دانشگاه‌ها |
| عدم وجود بوروکراسی دست و پاگیر | وجود مشکلات ساختاری و بوروکراسی پیچیده |
| | قوانین دولتی محدود کننده فعالیت‌های اقتصادی دانشگاه |
| | وجود مقررات دست و پاگیر جهت انجام کار اقتصادی |
| تاثیر ساختار رشته در درآمدزایی | اهمیت در نظر گرفتن نقش رشته‌های دانشگاه در تحلیل مشکلات مالی آن |
| | وابستگی درآمدزایی به ماهیت رشته |
| | دشواری کسب درآمد از طریق رشته‌های علوم پایه |
| وجود دانشگاه دانش‌بنیان | فقدان دانشگاه‌های دانش‌بنیان |
| | حرکت اقتصاد به سوی اقتصاد دانش‌بنیان |
| توجه به آمایش سرزمین | پیشینه تاریخی و نبود نظام آمایش سرزمین |
| | گسترش رشته‌ها و دانشگاه‌ها با توجه به نیازهای محیطی |
| ایجاد پل‌های ارتباطی بین دانشگاه و دانش‌آموختگان | ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان |
| | تامین مالی دانشگاه از طریق دانش‌آموختگان |
| لزوم توانمندسازی دانشگاه‌ها | پتانسیل دانشگاه جهت خلق ثروت |
| | ایجاد زیرساخت‌های لازم در دانشگاه |
| وصول مطالبات مالی دانشگاه | عدم وصول برخی از مطالبات مالی دانشگاه |

همان‌گونه که از یافته‌های تحقیق بر می‌آید، مساله تامین و تنوع‌بخشی منابع مالی دانشگاه‌ها، نیازمند یک رویکرد سیستمی و چند جانبه در آموزش عالی ایران است. برای تنوع‌بخشی مالی دانشگاه‌های دولتی، همچنان که مشارکت‌کنندگان پژوهش، اذعان داشتند، می‌بایست برخی زمینه‌ها و بسترها آماده شود. از سویی چالش‌ها و موانعی نیز در مسیر تامین و تنوع‌بخشی منابع مالی دانشگاه‌ها وجود دارد. با برطرف کردن این چالش‌ها و در نظر گرفتن فرصت‌هایی که دانشگاه در

جذب منابع مالی دارد، می‌توان گفت قدم‌هایی بایسته در این زمینه در حال برداشتن است. دانشگاه‌ها در حال گذراندن دوران گذر از وابستگی صرف به منابع مالی دولتی هستند و برای اینکه گذار مسیر مطلوب‌تری را ببینند، نیازمند تغییر و بهسازی مجموعه‌ای از ساختارهای فیزیکی و انسانی هستند. بنابراین به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها در مسیر یافتن منابع جدید مالی جهت انجام رسالت‌های خود نیازمند بسط تفکر درآمدزایی در مسئولان دانشگاه و تمامی ذینفعان آن هستند. بدین گونه است که می‌توان انتظار داشت تا دانشگاه در مسیر رشد و توسعه خود از تمامی ظرفیت‌هایی که برایش تعریف شده است استفاده کند. ظرفیت‌های انسانی و مادی در این مسیر می‌تواند بسیار راهگشا باشد. مادامی که این چالش‌ها برطرف و فرصت‌های دستیابی به منابع مالی شناسایی گردد؛ می‌توان امیدوار بود که دانشگاه‌ها به منابع مالی پایدار دست یابند. در این صورت دولت به عنوان حامی، همچنان بازیگران عرصه اقتصاد و دانشگاه را حمایت می‌کند.

نتیجه‌گیری:

امروزه در اغلب کشورها اصلاح یا تحول در نظام تامین منابع مالی به عنوان ابزاری مهم در زمینه مدیریت نظام آموزش عالی و سیاست‌گذاری‌های آموزشی در نظر گرفته شده است (عزتی و نادری، ۱۳۸۸). یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مشارکت‌کنندگان پژوهش در خصوص تامین مالی دانشگاه‌ها، متفق‌القول به آن اشاره داشتند، تعیین جایگاه و رسالت آموزش عالی بود. آنها معتقد بودند دانشگاه رسالتی متفاوت با بازار دارد و نباید به آن به عنوان یک بنگاه اقتصادی نگریست. کوشش دانشگاه‌ها برای کسب استقلال مالی نباید آنان را به ورطه توجه افراطی به کسب درآمد بکشاند و از انجام وظایف اصلی خود غافل نماید. بنابراین در جریان درآمدزایی، دانشگاه نباید از هدف اصلی خود که همانا حقیقت‌جویی است دور گردد. در زمینه تامین مالی دانشگاه‌ها، مشارکت‌کنندگان به لزوم نقش‌آفرینی دولت در تامین مالی دانشگاه معتقدند. با وجود اینکه روش‌های کمک مالی در کشورهای مختلف به شکل واحدی نیست، آنچه که در همه کشورهای دنیا مشترک است، این است که دولت‌ها سهمی اساسی در راه تامین مالی آموزش عالی برعهده دارند (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۸۱). ریچی (۲۰۱۲) حمایت دولت در فرایند تامین مالی دانشگاه‌ها را مهم ارزیابی نموده است. نتایج مطالعه دومینیسز^{۲۶} و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد درآمدهای دانشگاه‌های اروپا از بودجه دولت تخصیص می‌یابد. دلایل مهمی نظیر ماهیت نقصان بازار و موضوعات مربوط به کارایی و عدالت، مداخله دولت برای تامین نیازهای آموزشی به عنوان یک کالای اولویت‌دار را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش با مقایسه سهم آموزش عالی از تولید ناخالص ملی معتقد بودند که دولت توانایی لازم در تامین مالی دانشگاه‌ها را دارد. در حالی که عده‌ای دیگر خلاف این نظر را اظهار کرده و دلیل آن را هم وضعیت مالی نامناسب فعلی دانشگاه‌ها می‌دانستند. در تحقیق جمشیدی و آراسته (۱۳۹۱) نیز برخی از افراد بر این باور بودند که دولت توان لازم را برای گسترش بیشتر نظام آموزش عالی و افزایش فرصت‌های آموزشی برای همه افراد دارد، در حالی که گروهی دیگر از افراد به شدت معتقد بودند که وضعیت منابع و اعتبارات، به دولت‌ها اجازه گسترش بیشتر آموزش عالی دولتی را نخواهد داد. آنها بر این باور بودند که حتی اگر یارانه‌ها و اعتبارات دولتی برای آموزش عالی، به طور کامل حذف نشود، به شدت کاهش خواهد یافت. نتایج مطالعه ریچی (۲۰۱۲) نیز حاکی از آن است که در کشورهای درحال توسعه، دولت‌ها قادر به تامین مالی مناسب خدمات عمومی از جمله آموزش نیستند و انتظار می‌رود که کاهش بودجه بخش آموزش به ویژه دانشگاه‌ها در آینده نزدیک همچنان باقی بماند.

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، مساله تامین و تنوع‌بخشی مالی دانشگاهی به عنوان یک ضرورت مطرح شده است. در تحقیق روزماس و سیران (۲۰۱۳) نیز تاکید گردیده است که تنها با تنوع بخشیدن به منابع می‌توان با رهبران خارجی رقابت نمود و مبنای استواری برای توسعه حفظ نمود. علاوه بر آنچه گفت شد مجموعه‌ای از عوامل بر درآمدزایی دانشگاه‌ها تاثیر دارند. لزوم استقلال دانشگاه در کسب درآمد یکی از موارد ذکر شده از سوی مشارکت‌کنندگان این پژوهش در راستای درآمدزایی دانشگاه‌ها است. دومینیسز و همکاران (۲۰۱۱) اظهار می‌دارند که موسساتی که کاملاً مستقل نامیده می‌شوند، بودجه خیلی متنوعی دارند. از نظر آنان، احتمال خیلی کمی وجود دارد که موقعیت موسسه‌ای یا ملی که به دانشگاه‌ها اجازه فعالیت کاملاً مستقل نمی‌دهد، باعث ایجاد تغییرات واقعی شود. مطالعه استرمن (۲۰۱۰) و ریچی (۲۰۱۲) نیز رابطه سطح استقلال مالی و میزان تنوع‌بخشی را تایید می‌نمایند توانائی مدیران در چانه‌زنی نیز یکی از عوامل موثر بر جذب اعتبارات مالی در دانشگاه‌ها است. معمولاً توزیع اعتبارات بخش آموزش دانشگاه بر اساس عملکرد مالی سال‌های قبل و چانه‌زنی و نیز مبتنی بر برداشت‌های ذهنی مدیران مربوطه صورت می‌پذیرد. لزوم شفاف‌سازی قوانین نیز یکی از موضوعات اشاره شده از دید مشارکت‌کنندگان این پژوهش است. ملکی (۱۳۸۴)، قورچیان و حیدری (۱۳۸۷) و آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) نیز در پژوهش‌های خود تدوین و تصویب قوانین و مقررات شفاف و با ضمانت اجرایی برای توسعه آموزش عالی خصوصی را مهم دانسته‌اند. از نگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش بوروکراسی موجود در دانشگاه‌ها در مسیر تحقیق و توسعه و نیز ارتباط با صنعت، یک مانع محسوب می‌شود. تاثیر ساختار رشته در درآمدزایی، لزوم وجود دانشگاه دانش‌بنیان و توجه به آمایش سرزمین و توانمندسازی دانشگاه از جمله مولفه‌هایی است که مشارکت‌کنندگان آن را مهم می‌دانند. ایجاد پل‌های ارتباطی بین دانشگاه و دانش‌آموختگان نیز یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌توان از طریق آن به درآمدزایی دانشگاه کمک کرد. این درحالی است که دانشگاه‌های ما خود را مسئول فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نمی‌دانند و بعد از باطل شدن کارت دانشجویی مسئولیتی نسبت به وی ندارند. در کشورهای پیشرفته دنیا، دانشگاه‌ها با به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان در مراکز رشد و کمک به آن‌ها در ایجاد شرکت‌های نوپا، فرصت کارآفرینی از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان را برای آنان فراهم می‌کنند. دانشگاه‌ها از این راه می‌توانند در بخشی از درآمد این شرکت‌ها سهیم باشند. وصول مطالبات مالی نیز در زمینه منابع مالی دانشگاه اهمیت دارد. عده‌ای از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند بسیاری از بدهی‌ها به دانشگاه وجود دارد که وصول نگردیده است و وصول آن می‌تواند کمکی در جهت تامین مالی دانشگاه باشد.

در این تحقیق با کمک صاحب‌نظران و مسئولان دانشگاه‌های دولتی ایران به شناخت مسائل و مشکلات موجود تامین و تنوع‌بخشی منابع مالی دانشگاه‌های دولتی پرداخته شد. از آنجا که در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری استراوس و کوربین استفاده شد، می‌توان به ارائه یک سلسله روابط و الگویی در داده‌ها دست یافت.

تحلیل داده‌های این پژوهش، حاکی از پدیده محوری، ضعف تفکر درآمدزایی در دانشگاه‌های دولتی ایران است. از نگاه مشارکت‌کنندگان این پژوهش در بخش کیفی، تفکر و پارادایم درآمدزایی در دانشگاه‌های دولتی ایران جایگاه محکمی ندارد. آنها به نوعی در مصاحبه‌های خود ضعف این تفکر را در مسئولین، اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه نشان می‌دادند. از این رو می‌توان گفت که ضعف تفکر درآمدزایی در دانشگاه‌های ما متأثر از برخی عوامل است که در مقولات شرایط علی، زمینه‌ای و تاثیر آن بر پیامدها ذکر می‌شود.

26. Dominicis

در ابتدا سلسله عواملی بر جایگاه ضعیف درآمدزایی در دانشگاه‌های دولتی ایران موثر است. این پدیده ناشی از نوع نگاه مدیران و مسئولین دانشگاه نسبت به درآمدزایی است. مغایر دانستن شان دانشگاه با انجام فعالیت‌های اقتصادی و از سویی ضعف شرایط اقتصادی جامعه و عدم احساس نیاز دانشگاه‌ها به ارتباط با صنعت از عوامل موثر دیگر در این زمینه است. نبود گفتمان درآمدزایی در دانشگاه، تصور از درآمدزایی به عنوان وظیفه دولت و عدم توانایی مدیران نیز می‌تواند عامل مهمی در این زمینه تلقی شود. از سویی عواملی چون عدم وصول مطالبات مالی دانشگاه و تأثیر آن در بی‌انگیزگی کارکنان، وجود بوروکراسی بی‌رویه در فرایند درآمدزایی در دانشگاه، عدم استقلال دانشگاه‌ها، نبود قوانین روشن و شفاف و ... از جمله عوامل علی‌تأثیرگذار بر پدیده محوری تحقیق است. در شکل‌گیری این پدیده محوری مجموعه شرایط زمینه‌ای نیز نقش داشته است. شرایطی چون نبود اقتصاد سالم و رقابتی، نقش آفرینی دولت در تأمین مالی دانشگاه‌ها و عدم توجه به آمایش سرزمین، تأثیر ساختار رشته در درآمدزایی، عدم وجود دانشگاه‌های دانش‌بنیان و نیز عدم ارتباط دانشگاه با دانش‌آموختگان از این جمله است. پیامدهای ناشی از این پدیده محوری را می‌توان، وابستگی مالی دانشگاه‌ها به بودجه دولتی، ناپایداری منابع مالی دانشگاه، کسری بودجه دانشگاه، عدم استقلال دانشگاه‌ها و عدم توفیق دانشگاه در دستیابی به رسالت‌ها و وظایف دانست.

بنابراین می‌توان گفت که دانشگاه‌های دولتی برای ادامه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود می‌بایست راه‌های تأمین و تنوع بخشی منابع مالی را بیابند. این امر نیازمند تعیین تکالیف دولت در حوزه تأمین مالی دانشگاه‌ها در قالب گفتمان عمومی است. سپس دانشگاه‌ها می‌بایست با در نظر گرفتن جایگاه و شان خود که همانا مکانی برای حقیقت‌جویی است و با پرهیز از رویکرد بازاری، سعی در یافتن منابع جدید برای انجام ماموریت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی خود نمایند. این امر نیز مستلزم ایجاد تفکر درآمدزایی و تنوع بخشی مالی در مدیران از طریق برگزاری کنگره‌ها، همایش‌ها و ... است. هر چند در این خصوص نیز لازم است مدیران و مسئولان از تقلیل نگاه درآمدی صرف به فعالیت‌های درآمدزای دانشگاه‌ها خودداری کنند. دانشگاه‌های امروزی می‌توانند با داشتن تمهیداتی در زمینه تنوع بخشی مالی به جایگاه واقعی خود قوت بخشند. البته در مسیر تأمین تنوع بخشی مالی، دانشگاه‌ها با چالش‌های عمده‌ای از جمله رکود اقتصادی، اقتصاد ناسالم، عدم رقابت و بوروکراسی دست و پاگیر و ... مواجه‌اند. در این راستا فراهم ساختن زیرساخت‌های سیاستی و راهبردی لازم جهت ایفای موثر نقش دانشگاه‌ها یک الزام ضروری است. مادامی که سیاست‌های اقتصادی کشور دارای نوسانات شدید بوده و در اجرای آن‌ها ثبات و هماهنگی وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که دانشگاه‌ها در مسیر توسعه و تنوع بخشی مالی با چالش‌های اندکی روبه‌رو باشند. نکته مهم این است که دولت و دانشگاه‌ها به یکباره نباید انتظار کسب درآمد از منابع مختلف داشته باشند، آنها می‌بایست قدم به قدم زمینه‌های لازم برای تنوع بخشی را فراهم نموده و از افراط و تفریط اجتناب ورزند. دانشگاه‌ها از دولت انتظار دارند که زمین بازی را برای آن‌ها فراهم کنند و ضمن تدوین قوانین و مقررات و حمایت از فعالیت‌های دانشگاه، آن‌ها را در تأمین منابع مالی کمک کنند.

سخن پایانی:

در پایان، تأکید بر این نکته ضروری است که تأمین و تنوع بخشی منابع مالی توسط دانشگاه‌های دولتی به هیچ وجه نافی حمایت‌های دولت نمی‌باشد. دولت همچنان می‌بایست بر فعالیت‌های تأمین مالی دانشگاه‌ها نظارت نموده، کمک‌های خود را به روش غیرمستقیم و رقابتی به دانشگاه‌ها (بالاخص دانشگاه‌های کم‌برخوردار) ارائه نماید و از رشته‌های کم‌طرفدار و دانشجویان محروم حمایت مالی نماید.

فهرست منابع:

- آراسته، حمید رضا. اسفندیاری، توران. (۱۳۸۹). خصوصی سازی در آموزش عالی. فصلنامه نشاء علم، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۰-۱.
- آهنگیان، محمدرضا. (۱۳۹۱). آمایش آموزش عالی و سیاست های توسعه علم و فن آوری کشور: تحلیل گسست بر اساس تجربه نگاری. سیاست علم و فناوری، سال ۵، شماره ۱، صص ۷۳-۸۶.
- اسماعیلی کیا، غریبه. (۱۳۹۴). تامین مالی و راهبردی در دانشگاه ها- روندها و به روش ها به سمت پایداری مالی دانشگاه ها. سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی.
- اسماعیلی کیا، غریبه. اسمعیلی، یونس. اوشنی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی روش های تامین مالی دانشگاه های دولتی با رویکرد اقتصاد مقاومتی با استفاده از روش ANP (مطالعه موردی: دانشگاه های دولتی غرب کشور). دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، صص ۱۳۸-۱۱۷.
- جمشیدی، لاله. (۱۳۹۱). الزامات کلان و خرد توسعه خصوصی سازی آموزش عالی در ایران: ارائه یک الگو. رساله دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- خالقی سروش، فریبا. ابوالقاسمی، محمود. گزایی نژاد، غلامرضا. دولو، مریم. (۱۳۹۶). مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی (۱۹)، صص ۳۲-۹.
- دادجوی توکلی، عطیه. حسینی، محمدعلی. نیکنامی، مصطفی. صالحی، محمدجواد. (۱۳۹۸). تقویت مشارکت بخش غیردولتی در تامین منابع مالی آموزش عالی، نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال ۱۸، صص ۱۳۸-۱۳۲.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. صالحی نجف آبادی، مائده. (۱۳۹۱). ارائه راهبردهایی برای جذب دانشجویان خارجی در ایران. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال چهارم. شماره سوم (پیاپی ۱۵)، صص ۹۲-۶۵.
- ربیعی، مهدی. ایزدی، صمد. صالحی عمران، ابراهیم. آهنگیان، محمدرضا (۱۳۹۶). بررسی الزامات تامین و تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه های دولتی. فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، سال هفتم، شماره ۱۹، صص ۱۶۲-۱۴۱.
- روشن، احمدرضا. (۱۳۹۱/۰۹/۱۲). چند پیشنهاد برای افزایش منابع مالی دانشگاه های دولتی. روزنامه دنیای اقتصاد.
- روشن، احمدرضا. (۱۳۹۲). رهیافت هایی برای تامین مالی دانشگاه های دولتی. ششمین کنفرانس توسعه نظام مالی در ایران. تهران، گروه مالی و سرمایه گذاری مرکز مطالعات دانشگاه صنعتی شریف، صص ۲۶-۱.
- عابدی، احمد. شواخی، علیرضا. (۱۳۸۹). مقایسه روش شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری، راهبرد، سال ۱۹، شماره ۴، صص ۱۶۸-۱۵۳.
- عزتی، میترا. نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). تاثیر سازکارهای تخصیص منابع مالی بر عملکرد آموزشی گروه های آموزشی دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲، صص ۵۴-۲۳.
- قورچیان، نادرقلی. حیدری کرد زنگنه، غلامرضا. (۱۳۸۷). ارائه مدلی جهت ارتقاء و توسعه خصوصی سازی در ایران. پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۲۵۷-۲۱۹.
- متوسلی، محمود. آهنگیان، محمدرضا. (۱۳۸۱). اقتصاد آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- محسن پور، محدثه. (۱۳۹۰). ارزیابی داده های کیفی، فصلنامه کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار. سال ۱۶، شماره ۲۴، صص ۵۵-۵۰.
- مشایخی، بیتا. عبدزاده کنفی، محمد. فرجی، امید. (۱۳۹۳). بررسی امکان سنجی طراحی و استقرار بودجه ریزی عملیاتی در دانشگاه های دولتی ایران: (مطالعه موردی دانشگاه تهران). دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. سال ۳، شماره ۹، صص ۳۳-۱۳.
- ملکی، حمید. (۱۳۸۴). تعیین مولفه های مشارکت بخش خصوصی در گسترش نظام آموزش عالی کشور و ارائه مدل مناسب. پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.
- مهرگان، محمدرضا. دهقان نیری، محمود. (۱۳۸۸). مدل راهبردی ارزیابی موسسات آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲، صص ۷۹-۵۵.
- هاشم زاده، شهرام. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی بر تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه ها و دانشکده های صنعتی کشور. پایان نامه دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- هاشم نیا، شهرام، عمادزاده، مصطفی، صمدی، سعید، و ساکتی، پرویز. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر درآمدهای اختصاصی تحقیقات دانشگاهی در دانشگاه های صنعتی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۲، صص ۲۲-۱.
- یزدانی، شهرام. دشتی رحمت آبادی، مرضیه. درخشان اکبر. غلامی، حسن. (بررسی نقادانه الگوهای تامین و تخصیص مالی در آموزش عالی. افق توسعه آموزش علوم پزشکی، دوره ۸، شماره ۲، ۱۱-۳.

- Diris, R. Ooghe, E. (2015). The economics of financing higher education. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2676524>.
- Dominicus, L. D., Pérez, S. E., & Fernández-Zubieta, A. (2011). European university funding and financial autonomy: A study on the degree of diversification of university budget and the share of competitive funding. Joint Research Centre.
- Estermann, T (2010). European universities Diversifying Income Streams. Towards financially sustainable universities II: Diversifying income streams. University of Bologna 13-14.09.
- Gebreyes, F. M. (2012). Revenue generation strategies in Sub-Saharan African University. Available at: http://doc.utwente.nl/83678/1/A_Paper_Presented_at_ASTU's_International_conference.pdf.
- Guba, E. & Lincoln, Y. (1985). Naturalistic inquiry. Newbury park, sage publication.
- Hammersley, M. & Atkinson, P. (1995). Ethnography – principles in practice. London, New York: Routledge.
- Johansson, M., Jacob, M., & Hellström, T. (2005). The strength of strong ties: University spin-offs and the significance of historical relations. Journal of Technology Transfer. 271-286.
- Jongbloed, B. (2010). Funding Higher Education: a view across Europe. European center for strategic management of universities.
- Pranevičienė, B. Pūraitė, A. (2010). The Financing Methods of Higher Education System. Jurisprudence. 4(8): PP335–356.
- Riechi, A. R. O. (2012). Revenue Diversification in Kenya's Public Universities and Implications for Efficiency and Equity: an Analysis of Educational Finance in the African Context. Kenyatta University. Available at: <http://etdlibrary.ku.ac.ke/bitstream/handle/2382/123456789/Riechi%20Andrew%20O..pdf?sequence=1>
- Rozmus, A., & Cyran, K. (2012). Diversification of university income Polish practice and international solutions. Financial Internet Quarterly „e-Finance”, 8(4), 64-75.
- Straus, A., & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, Third Edition, Los Angeles: Sage Publications.
- Yale University Financial Report. (2015). Available at: www.yale.edu/fr13-14.
- Yongfan, X. (2012). The Study on University Financial Management under Knowledge Economy. Physics Procedia. 33, 1914–1919.